

دوران صد ساله تجدّد در شهرسازی و معماری ایران

بررسی تاریخ شهرسازی و معماری ایران بعد از اسلام نشان می‌دهد که مسائل شهرسازی، به معنای امروزی آن، در اغلب شهرهای سرزمین ما مطرح نبوده است. شهر به آرامی، با رشد و توسعه‌ای تدریجی، و پیرو سنت‌های معماری زمان، سطوح آزاد داخل حصار را در بر می‌گرفت و تغییراتی که در بافت کالبدی آن، در نتیجه مسائل اقتصادی و یا رویدادهای سیاسی و مذهبی، به وجود می‌آمد تناسب‌ها و مقیاس‌های فضای شهر را دگرگون نمی‌کرد.

اصفهان تنها شهری بود که در اواخر قرن شانزدهم میلادی، با سلطنت شاه عباس اول و با دخالت و قدرت حکومت و کمک دانشمندانی چون شیخ بهائی و معماران زمان، از فضائی بسته به فضائی گشوده مبدل شد. این شهر از محدوده حصار خود تجاوز کرد و به یاری طرحی هوشمندانه و پیشرو توسعه یافت. حدود یک قرن خطوط اصلی این طرح جامع از سوی پادشاهان سلسله صفوی و حکومت آنان دنبال شد و در نتیجه مجموعه‌های معماری بی نظیری در بافت شهر به وجود آمد و اصفهان در زمره زیباترین شهرهای جهان قرار گرفت.

در قرن هیجدهم و ابتدای قرن نوزدهم میلادی، که دوران انتقال معماری صفویه به معماری زندیه و بالاخره به معماری قاجار بود، در نتیجه ضعف دولت‌های این زمان به تدریج کیفیت هنری و به خصوص کیفیت ساختمانی و مصالح به کار گرفته رو به انحطاط رفت.

از دهه‌های اول قرن نوزدهم که آوازه پیشرفت و ترقیات صنعتی اروپا، و تأثیر آن در شهرنشینی و مسائل شهری، به ایران رسید و اثری بیدار کننده در آن به وجود آورد، میل به تجدید بنای مملکت و در نتیجه نیاز به فراگیری "علوم جدید" و تغییر اصول تعلیماتی حالت ضروری به خود گرفت. در نتیجه، در دوران ولایت عهدی عباس میرزا (۱۷۹۹-۱۸۳۳م)، که خود در این کار پیشقدم بود، دولت تعدادی اندک از جوانان را، به ابتکار و دستور او، برای فراگیری علوم و حرفه‌های مورد نیاز راهی اروپا کرد.

از میان گروه بعدی محصلینی که در سال ۱۸۴۳م عازم دنیای غرب شدند عبدالرسول خان و میرزا رضا برای فراگیری حرفه مهندسی انتخاب گردیدند. بازگشت این دو مصادف شد با دوران صدارت میرزا تقی خان امیرکبیر (۱۸۴۷-۱۸۵۱م)، مرد بزرگ و روشنفکر ایران که تحت تأثیر پیشرفت های روسیه و عثمانی قرار گرفته و به سیر ترقی ملل غرب و به موجبات انحطاط اوضاع ایران واقف گردیده بود. امیر کبیر از بدو خدمت برای تجدید بنای کشور تلاش همه جانبه‌ای را آغاز کرد و دست به یک رشته اصلاحات اساسی زد که مهمترین آن ها، از نظر مطالب طرح شده در این نوشته، ایجاد «مرکز تعلیم و تعلم» است. برای تدریس در این مدرسه عالی که بالاخره با نام "دارالفنون" شروع به کار کرد تعلیمات مدرن غربی از طریق استادان "فرنگی" به ایران راه یافت. بنای این ساختمان که در داخل حصار ازگ سلطانی قرار می‌گرفت به میرزا رضای نامبرده در بالا محول شد. ساختمان دارالفنون مجموعه ساده‌ای بود از کلاس‌ها و آزمایشگاه‌ها که، با راهروی عریض متکی به قوس‌های نیمه بیضوی، دورا دور باغچه مرکزی را گرفته بود. قسمتی از اطاق‌های کار در طبقه دوم قرار داشت.

نقشه‌های میرزا رضای مهندس باشی برای اجرای ساختمان در اختیار محمد تقی معمار باشی قرار گرفت. ساختمان دارالفنون، که احتمالاً اولین بنای دولتی است که توسط یک معمار ایرانی تحصیل کرده "فرنگ" طراحی شده، در نوامبر ۱۸۵۱م. افتتاح شد، درست در همان زمان که بانی بزرگ آن،

امیرکبیر، درباغ فین کاشان در تبعید بسر می برد و در انتظار سرنوشت شوم خود بود.

مدرسه دارالفنون، که در آن برای تعلیم از روش های اروپایی استفاده می شد، منشاء تحولات فکری مهمی در ایران گردید. در واقع، می توان این مدرسه را راه گشای تعلیمات عالیة جدید و وسیله ترویج علوم در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی در ایران دانست. فارغ التحصیلان این مدرسه عالی گروه روشنفکرانی را در ایران به وجود آوردند که به نهضت تجدیدخواهی و مبارزه با خرافات و به نشر افکار آزادیخواهانه در عهد ناصری کمک فراوان کرد. در دارالفنون، از میان دروس متعدد، ریاضی، مهندسی، طراحی و نقشه برداری نیز تدریس می شد و در اولین دوره آن دوازده دانشجو در رشته مهندسی نام نویسی کرده بودند. تهیه چند نقشه ارزنده قدیمی، و به خصوص نقشه های پایتخت در سال های ۱۸۵۷ و ۱۸۹۰م را مرهون گروه مهندسی این مدرسه هستیم. نقشه اول را مهندس اگوست کرشیش (Auguste Krziz) اطریشی، معلم معماری، ریاضی و هندسه با کمک شاگردانش، محمدتقی خان که از او نام بردیم و ذوالفقار بیگ. و نقشه دوم را میرزا عبدالغفارخان، ملقب به نجم الدوله، امضاء کرده اند.

در میان گروه محصلین اعزامی به اروپا (در سال ۱۸۵۷م)، که بیشتر آن را دانشجویان دارالفنون تشکیل می دادند، شخصی بود به نام میرزامهدیخان که طی هشت سال اقامت در فرانسه و اخذ دیپلم دبیرستان (Baccalaureat) و دیپلم مهندسی از اِکُل سانترال (Ecole Centrale) با تخصص در رشته معماری در سال ۱۸۶۴م راهی میهن شد. میرزا مهدی خان در تهران سالها سرگردان بود و دوران بسیار مشکلی را گذراند تا اینکه با کمک استاد محمد معمارقمی و حاج ابوالحسن معمارباشی مأمور تهیه قسمتی از نقشه های مسجد سپهسالار و عمارت بهارستان شد (۱۸۷۸م). طرح تعدادی از ساختمان های دولتمندان عصر را نیز به میرزا مهدی خان شقاقی که به لقب ممتحن الدوله مفتخر شده بود نسبت می دهند. با میرزا رضای مهندس باشی و سپس میرزا مهدی خان، که هر دو تحت تاثیر اصول و قواعد حرفه ای دنیای غرب بودند، حرفه طراحی معماری از حرفه معمار سازنده بنا جدا می شود.

ممتحن الدوله در آثار خود عناصری از معماری اروپائی را دخالت داد. یکی از ره آوردهای او که با استقبال فراوان روبرو شد طرح سراسراهای بزرگ و

پله‌کان‌های باز به سبک اروپائی بود که جای راهروها و پله‌های بسته معماری سنتی را می‌گرفت. از اینرو بود که در سال ۱۸۸۵م، محمود خان ناصرالملک، وزیر خارجه وقت، تهیه طرح پله‌ای شبیه پله کاخ "بوکینگهام پالاس" را به اوسفارش داد!

معماری دوره قاجار، که درنیمه اول قرن نوزدهم میلادی در دنباله روی از معماری سنتی قرون گذشته به تدریج به کیفیت پائین تری رسیده بود، درنیمه دوم همان قرن یکسره آسیب پذیرشد. به علت ارتباط با دنیای غرب و گرایش زمان، معماری این دوره به آسانی تحت تاثیر معماری اروپایی قرار گرفت که از راه روسیه و قفقاز و ترکیه از شمال، و خلیج فارس و بوشهر از جنوب، به ایران رسیده بود. معمارهای معروف محلی نیز تاحدی طرز فکر و سلیقه تازه را دنبال کردند. یکی از این امکانات تازه که سیمای اغلب شهرهای بزرگ ایران را تغییر داد پوشش ساختمان‌ها با داربست چوبی و شیروانی بود که جای بام‌های طاقی و گنبدی را می‌گرفت. علی محمدخان معمارباشی، یکی از معماران معروف این دوره است که طرح ساختمان‌های صاحب قرانیه، سلطنت آباد و عشرت آباد را به او نسبت می‌دهند و در آثارش آمیزش معماری سنتی با معماری غریبه به چشم می‌خورد. در همین دوره، در معماری ساختمان‌های داخل ارگ سلطانی نیز به پیروی سلیقه زمان تغییرات مهمی داده شد.

در تمام دورانی که ساختمان‌های حکومتی و اعیانی با معماری غربی و روسی ترکیب می‌شد، ساختمان‌های مسکونی متوسط در سطح شهر و به خصوص در محلات قدیمی تاحدی هم شکل و هم آهنگ با ویژگی‌ها و خصوصیات معماری سنتی بنا می‌شد. به این ترتیب که فضای خانه فضای بسته‌ای بود که به وسیله "هشتی" و یا راهروئی به معبر خارج ارتباط پیدا می‌کرد. "اطاق دم دری" جنبه "بیرونی" خانه را داشت و بقیه اطاق‌ها، با چند پله ارتفاع، حیاط مرکزی را که در میان آن حوض آب قرار داشت دور می‌زد. اطاق‌های رو به جنوب بیشتر در زمستان و اطاق‌های رو به شمال و زیر زمین و بام خانه برای زندگی تابستانی مناسب بود. زیر زمین، آب انبار و گاه آشپزخانه و سرویس‌های خانه با چند پله پائین می‌رفت و زیر اطاق‌ها قرار می‌گرفت. عناصر مسکن در معماری عامیانه به صورت الگویی همگانی درآمده بود و به خوبی جوابگوی شرایط اقلیمی محیط خود می‌شد.

در اواخر قرن نوزدهم، با استقرار سفارت‌خانه‌ها و نمایندگی‌ها و اقامت

اتباع خارجی در ساختمان های اعیانی در شمال شهر و در داخل "حصار ناصری" (۱۸۷۰م) و بیرون از حصار قدیم تهران، تاثیر معماری غربی را در ترکیب فضاهاى داخلی نیز می بینیم. به این ترتیب که به تدریج از سطوح ساختمان "بیرونی" کاسته می شود و قسمت پذیرائی به داخل ساختمان اصلی راه می یابد. آنچه که امروزه "سالن" یا "میهمان خانه" نامیده می شود از این تاریخ به صورت عنصر جدیدی وارد معماری مسکونی شد. یکی از بهترین نمونه های موجود از آمیزه سنتی و معماری غربی و روسی ساختمان «پاشاخان امیر بهادر» (۱۸۹۴-۱۹۰۶م) وزیر دربار مظفرالدین شاه است که پس از او مورد استفاده انجمن آثار ملی قرار گرفت. در این ساختمان عناصر معماری سنتی در طبقه هم کف به کار رفته است: طاق های ضربی، گهواره ای و چهاربخشی، تالار چهار ستونی به شیوه قدیم، ایوان بزرگ سراسری، همگی از عناصر شناخته شده معماری ایرانی است. در مقابل، راهروی عریض مرکزی، پله دوپاگردی، ستون های تقلیدی، سربخاری های بزرگ و گچ بری با نقش های غربی، ضراحی های دست انداز، در و پنجره های کلاسیک که جای "اوروسی" های شرقی را می گیرد همگی عناصر معماری غربی است که در شکل گیری معماری مسکونی دولتمندان این دوره ظاهر می شود. در تهران، ساختمان علیقلی خان سردار اسعد که بعدها به باشگاه بانک ملی تبدیل شد و ساختمان قوام السلطنه که اکنون موزه آگینه است نیز در زمره ساختمان های این دوره اند که در آنها نحوه تفکر معماران و نوآوری زمان به چشم می خورد.

در مورد بافت شهری نیز عناصر تازه ای از تمدن غربی اجتناب ناپذیر می شود: خیابان الماسیه، که میدان توپخانه را به سردر شمالی ارگ متصل می کند به صورت گردشگاه مدرنی درمی آید که دکه های صنعتگران متجدد تحت عنوان "دارالصنایع" در اطراف آن قرار می گیرد (محمود خان صبا چشم اندازی از این خیابان را در سال ۱۸۷۱م نقاشی کرده است)؛ خیابان ناصری بر روی خرابه های دیوار شرقی ارگ سلطانی بنا می شود و اطراف آن ساختمان های جدیدی احداث می گردد، خیابان لاله زار و عین الدوله (فردوسی) به صورت محورهای تازه و مدرن، توسعه شهر را به طرف شمال هدایت می کند؛ میدان اصلی شهر از میدان ارگ و سبزه میدان به میدان وسیع توپخانه منتقل می شود؛ چند خیابان اصلی و جدید با چراغ های گاز نورانی می شود؛ ضراب خانه، تلگراف خانه (۱۸۸۴م)، و چند کارخانه ن stjaji، قند سازی و بلورسازی به کار می افتد؛ تهران با "ماشین دودی" به شهری متصل

می‌گردد (۱۸۸۴م) و با تعبیه ریل‌ها در محورهای اصلی شهر "واگن اسبی" به راه می‌افتد (۱۸۸۹م) و سر انجام پایتخت قیافهٔ شهری جدی به خود می‌گیرد. در شمال شرقی تهران، "میدان مشق" با دیواری به سبک معماری سنتی به اطاق‌های آجری محصور می‌شود و در قسمت شمال آن عمارت قزاق‌خانه با معماری روسی به این میدان ابهت می‌دهد (۱۸۹۰م) و بالاخره اولین هتل تهران، هتل دوفرانس، آمادهٔ پذیرائی از میهمانان خارجی می‌شود.

اغلب این تغییرات و نوآوری‌ها در اثر مسافرت و رویارویی دولتمندان، بازرگانان، محصلین و سیاحان ایرانی با جهان پیشرفتهٔ غرب و مردم آن دیار بود که آرزوی نوسازی مملکت و دسترسی به دوران تجدد را در آن‌ها بیدار می‌کرد. این اعتقاد به کسب علوم و فنون غربی در ابتدای قرن بیستم میلادی به درجه‌ای رسید که در سال ۱۹۱۱م، چند سال پس از افتتاح مجلس دارالشورای ملی، قانون اعزام محصل به تصویب آن رسید و دولت مأمور شد که در همان سال تعداد سی دانشجو به اروپا اعزام دارد.

در دوران حکومت سلاطین قاجار، به علت ناتوانی دولت، فقر مالی و مهمتر از همه فقدان سیستم اداری صحیح و برنامه ریزی مملکتی، راه تجدد به کندی پیموده می‌شد و شمار طرح‌های زیر بنائی و نوسازی مملکت ناچیز بود و ایران از نفوذ و قدرت فیزیکی و سرمایهٔ دولت که اساس شهرسازی و توسعهٔ صحیح شهری است بهرهٔ چندانی نداشت. با انقلاب مشروطیت و ایجاد نخستین مجلس ملی و نشر و گسترش آرمان‌های دموکراتیک در کشور از سویی، و در پی جنگ جهانی اول و انقلاب روسیه که در اوضاع داخلی ایران تأثیری عمیق گذارده بود. از سوی دیگر، زمینهٔ مساعدی برای پیدایش دولتی متجدد در کشور فراهم شد. و سرانجام با آغاز سلطنت رضا شاه پهلوی (۱۳۰۴)، دوران نوینی در شهرنشینی ایران آغاز گردید. در این دوران حکومت مصمم بود ایران عقب افتادهٔ آنروز را به هر قیمت و با سرعت به سوی سازندگی و تجدد سوق دهد.

علی‌رغم واکنش منفی و مخالفت‌های ریشه دار نیروهای سنتی، دو عامل اجتماعی دولت را در حرکت به سوی این هدف کمک می‌کرد: یکی علاقه و آرزوی تعداد زیادی از روشنفکران و ترقی‌خواهان به پیشرفت جامعه و مملکت، و دیگری نیروی احساسات ملی در راه تحقق آرمان‌های انقلاب مشروطیت.

از همان آغاز کار، دولت با شتاب به تأسیس تعدادی از صنایع مصرفی اولیه پرداخت و بنای وزارت‌خانه‌ها را در پایتخت و ساختمان‌های ادارات دولتی،

بهداشتی و آموزشی را در مقیاس وسیعی در سراسر مملکت بسط داد. شبکه‌های ارتباطی با سرعت رشد پیدا کرد. این برنامه ریزی و همراه آن دگرگونی که در کلیه شئون کشور به وجود آمد نیازمند به یک بافت زیر بنائی در قالب یک اقتصاد نوین بود. در این میان، تهران، به عنوان پایتخت و محل تمرکز نهادهای عمده سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور، بیش از هر شهر دیگر ایران دستخوش این تحولات گردید.

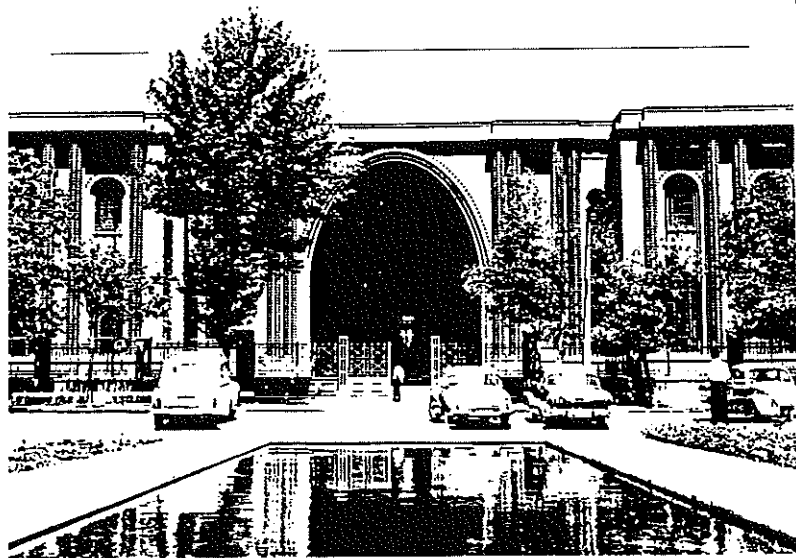
در سال ۱۳۰۹ که جمعیت پایتخت به حدود سیصد هزار نفر می‌رسید و وسائل نقلیه موتوری به مملکت راه پیدا کرده بود و بافت قدیمی تهران دیگر جوابگوی احتیاج روز نبود، یعنی در زمانی که هنوز "حصار ناصری" شهر را در برمی‌گرفت، اولین نقشه جدید تهران تهیه شد. این نقشه به ضمیمه قانون بلدیة به شهرداری اختیار می‌داد تا اولین طرح خیابان‌های جدید را اجرا کند. در سال‌های بعد قوانین تازه‌ای در باره «توسعه خیابان‌ها و تعریض معابر» قانون قبلی را کامل کرد. و به این ترتیب، طی چند سال محورهای مورد نظر در مرکز شهر باز شد و با تخریب حصار تهران خیابان‌های جدیدی محدوده شهر را در میان گرفت: خیابان شاه‌رضا در شمال، خیابان شهناز در شرق، خیابان سی متری در غرب و خیابان شوش در جنوب. این طرح در مورد چند شهر بزرگ مملکت نیز اجرا شد. خطوط داخلی شهرها معمولاً الگوی منظمی از خیابان‌ها بود که محوطه‌های مربع و مستطیلی را در شهر به وجود می‌آورد. بر جنوبی هر خیابان را ساختمان‌ها و بر شمالی را دیوار حیاط‌ها در بر می‌گرفت.

در محل تقاطع خیابان‌ها، و به خصوص در میادین، قرینه سازی مورد توجه شهردار قرار گرفت. یادگار این "توجه" را در تهران (میدان حسن آباد)، تبریز، رضائیه و شهرهای حاشیه بحر خزر می‌یابیم. گرچه با فرو ریختن حصارهای قدیمی، فضای "شهر ایرانی" باز شد تا جوابگوی نیازهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تازه باشد، اما بافت کهنه شهر قدیمی، که ترمیم آن نیاز به صرف وقت و مطالعه دقیق داشت، در پشت نوسازی حاشیه خیابان‌ها در محدوده خودرها شد و به این ترتیب "حصارهای سنتی" با فرهنگی قدیمی به زندگی خود ادامه داد.

نوسازی و معماری دولتی از ابتدای دهه ۱۳۱۰ با دو هدف اصلی که مورد نظر حکومت بود آغاز شد؛ یکی احیاء و بزرگداشت ویژگی‌های فرهنگ و معماری "ایران قدیم" و "ایران باستان" به منظور آگاهی نسل جوان به هویت

خود، و دیگری به کار گرفتن تسهیلات تکنولوژی و فنون ساختمانی پیشرفته غرب برای اجرای سریع برنامه‌های نوین و تربیت کادر عمرانی جدید. آمیزش این دو هدف باعث شد که ایران به صورت یک "آزمایشگاه" وسیع و متنوع ساختمانی درآید. بدون تردید تجربه این دوره، که حدود ده سال بیشتر نکشید، در جریان سازندگی در دهه های بعدی مورد استفاده دولت قرار گرفت.

وجود انجمن آثار ملی، که در سال ۱۳۰۱ تأسیس شده بود و حضور باستانشناسانی چون ارنست هرزفلد (E. Herzfeld)، آندره گُدار (A. Godard)، ماکسیم سیرو (M. Siroux)، و دیگران، که به معماری و فرهنگ ایران آشنائی کامل داشتند، کمک بزرگی بود به حفظ اصالت تناسب ها و ترکیب ها در تعدادی از ساختمان‌های دولتی که از پیشینه معماری "ایران باستان" الهام گرفته بودند. این گروه از ساختمان‌های دولتی، که آن ها را گروه اول می‌نامیم، شامل بناهایی می‌شود مانند بانک ملی قدیم و شهرداری تهران، دبیرستان انوشیروان دادگر، مقبره فردوسی و غیره که یادآور معماری دوران هخامنشی است و موزه ایران باستان (۱۳۱۵) که با ایوانی پوشیده از قوس بیضوی خاطره موفقی از معماری دوران ساسانی است. طرح ساختمان اخیر را آندره گُدار خدمتگذار با ارزش فرهنگ ایران ریخته بود.



موزه ایران باستان (از کتاب معماری ایران در عصر پهلوی)

گروه دوم مرکب از ساختمان‌هایی است که در ادامه راه معماری سنتی ایران طرح ریزی شده‌اند و در آن‌ها خصوصیات شکلی و مصالح ایران به کار رفته است: ساختمان بلدیة تهران (۱۳۱۶) اثر علی محمد خان صانعی معمار باشی، اداره پست مرکزی تهران (۱۳۱۳)، اداره پخش سابق شرکت ملی نفت، مدرسه تعلیم معلم و غیره.

گروه سوم شامل طرح‌های معماری اروپائی دهه ۱۳۱۰ است که بیشتر روحیه نئوکلاسیک اروپائی دارد و در آن‌ها اثری از فضای ایرانی دیده نمی‌شود، مانند ساختمان گار راه آهن تهران، اداره قماش، وزارت دادگستری و اغلب ساختمان‌های توریستی و هتل‌های حاشیة بحرخرز.

گروه چهارم مرکب از ساختمان‌هایی است که خصوصیات شکلی آنها و یا مصالح به کار رفته در آنها می‌توانست سرچشمه تازه‌ای باشد برای معماری مدرن ایران. ساختمان وزارت خارجه (۱۳۲۰)، کالج البرز، تعدادی از ساختمان‌های آموزشی و دانشگاهی تهران و تعدادی از ساختمان‌های صنعتی در این زمره‌اند.

در سال ۱۳۱۶، محدوده پایتخت دیگر گنجایش برنامه‌های جدید دولت را، که به سرعت رو به افزایش بود، نداشت و در نتیجه طرح جامع جدیدی برای تهران که جمعیت آن به حدود پانصد هزار نفر می‌رسید تهیه شد. در این طرح تعدادی از بناهای مورد نیاز به داخل محدوده جدید راه پیدا کرد. مجموعه دانشگاه تهران، گار راه آهن، بیمارستان‌ها و تعدادی از کارخانجات از این رده‌اند. در طرح ۱۳۱۶ برای نوسازی در داخل محدوده قدیمی شهر، تخریب قسمتی از ارگ سلطانی پیش بینی شده بود تا جهت "محله اداری" مجموعه‌ای از ساختمان‌های دولتی (وزارت دارائی، وزارت دادگستری، وزارت گمرکات، وزارت صنایع و معادن و غیره) در اراضی آن بنا شود. دریغ که ساختمان تاریخی و با شکوه تکیه دولت (۱۲۴۷/۱۸۶۸ م.)، که جایگاه نخستین مجلس مؤسسان بود، نیز در این اراضی قرار داشت و از میان رفت.

اراضی میدان مشق نیز که در مغرب توپخانه قرار داشت به ایجاد دیگر بناهای اداری مانند وزارت خارجه، وزارت جنگ، شهربانی، اداره پست و غیره تخصیص داده شد. تخریب قسمتی از محله سنگلج برای ایجاد مرکز تجاری مدرن و ساختمان بورس تهران نیز از هدف‌های این طرح بود. با تعویق اجرای این طرح، سر انجام در سال ۱۳۲۹ پارک شهر جانشین آن شد.

قدرت و پیگیری دولت در اجرای قوانین شهرداری سیمای تازه‌ای به شهرهای ایران داد؛ براساس این قوانین کلیه ساختمان‌های مسکونی که در اطراف خیابان‌ها و معابر قرار می‌گرفت می‌بایست حداقل دارای دو طبقه باشد و همه اطاق‌های این ساختمان‌ها می‌بایست به طرف خیابان پنجره داشته باشند. به این ترتیب، درنوسازی داخل محدوده و توسعه شهر اصول خانه‌های سنتی رها شد و خانه‌ها درکنار یکدیگر، فشرده و با نمائی "باز"، ردیف شدند.

با اجرای طرح ۱۳۱۷ پایتخت، که پیشتر به سبب توسعه محلات اعیان نشین و سفارت‌خانه‌ها از اواخر قرن نوزدهم به سوی شمال شهر کشیده شده بود، با سرعت بیشتری راه ارتفاعات شمال شهر را پیمود. درنتیجه فاصله اجتماعی نیز به پیروی از فاصله جغرافیائی بین محلات قدیمی درجنوب و شرق شهر و محلات جدید شمال و شمال غربی بیشتر شد. بازارچه‌های قدیمی محلات مسکونی نیز ازفضای بسته خود درآمد و به صورت مغازه‌هایی درحاشیه خیابان‌ها قرارگرفت و بدین ترتیب بافت مسکونی شهر با "تجارت خیابانی" ترکیب شد.

دراین سال‌ها بازگشت چندین معمار ایرانی از اروپا در شکل‌گیری معماری این دوره و سالهای بعدی تأثیر فراوان گذارد. از میان این عده می‌توان وارطان هوانسیان را نام برد که پس از تحصیل در پاریس در سال ۱۳۱۴ به ایران آمد و درهمان سال برنده کنکور ساختمان هنرستان دختران در تهران شد. طرح چند ساختمان دولتی و به خصوص تعداد بسیار زیادی از ساختمان‌های خصوصی از اوست. معمار دیگر پل ابکار است که در بروکسل تحصیل کرده بود و درسال ۱۳۱۶ به ایران آمد. طرح ساختمان اولین ایستگاه رادیو، تعدادی از ادارات دارائی و ساختمان‌های خصوصی از ابکار است. گابریل گورکیان نیز که مدتی تابعیت ایرانی داشت از ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۶ درتهران اقامت گزید و در این مدت کوتاه بناهای وزارت‌خانه‌های خارجه، صنایع و دادگستری، باشگاه افسران و تأثر بزرگ تهران و تعدادی ازساختمان‌های خصوصی را طراحی کرد.

با شروع جنگ جهانی دوم درسال ۱۳۲۰، ایران نیز گرفتار بحران تازه‌ای شد و درنتیجه طرح‌های عمرانی مملکت دچار رکود گردید. درهمین زمان مدرسه عالی "هنرکده" که یکی از آخرین ره آوردهای دوران تجدد ایران درزمینه شهرسازی معماری و هنرهای تجسمی بود به وجود آمد. دولت مدرسه طلاب مروی (مقابل شمس‌العماره) را در اختیار تعلیمات رشته‌های هنری این

مدرسه نوپیان قرار داد و سر پرستی آنرا به آندره گدار محول کرد. "هنرکده" پس از دوسال با نام دانشکده هنرهای زیبا به درون محوطه دانشگاه تهران راه یافت. فارغ التحصیلان این دانشکده که بیشترین گروه معماران و شهرسازان ایران امروز را تشکیل می‌دهند در بازسازی و عمران ایران متجدد قرن هشتم تأثیر به سزائی داشته اند و هنوز هم دارند. همزمان با این دوران تجدد در سازندگی ایران، تعمیر و ترمیم آثار معماری بسیار ارزنده گذشته نیز که قرن‌ها رها شده بود آغاز گردید و اداره باستانشناسی که در سال ۱۳۰۸ بنیان گذاری شد انجام این خدمت را با کمک متخصصین به عهده گرفت.

با استعفای رضا شاه پهلوی در سال ۱۳۲۰ و گسترش جنگ جهانی دوم، از قدرت دولت در ادامه طرح‌های شهرسازی و معماری نیز کاسته شد و به این ترتیب ایران دوران صد ساله تجدد خود را در این زمینه پشت سر گذارد. در این مورد باید اذعان کرد که تنها در دهه آخرین این سال‌ها (۱۳۰۹-۱۳۱۹) بود که سرمایه محدود دولت، قدرت حکومت مرکزی و برنامه ریزی مملکتی با هم در خدمت عمران و نوسازی ایران قرار گرفت و با وجودی که تحولات این دوره در جامعه‌ای کند، با شتابی فزاینده انجام شد، شهرسازی و معماری دوره "رضاشاهی" در تاریخ معماری ایران از ویژگی‌های قابل توجهی برخوردار است.

منابع مورد استفاده در این نوشته:

Ernest Orsolle, *la Caucase et la perse*, paris, plon, 1885.

.. بهروز پاکدامن، "سه معمار ایرانی"، کتاب قنوان، ج ۱، تهران، روشنگران، ۱۳۷۰.

-Amineh Pakravan, *Tehran de Jadis*, Geneve, Nagel, 1971.

.. و. ویلیامز جکسن، سوغنامه جکسن، ترجمه منوچهر امیری-فریدون بدره‌ای، تهران، خوارزمی،

۱۳۵۲

- Mohsen Habibi, "Reza chah et le developement de Teheran (1925-1941)", *Bibliothèque Iraninne*, vol. 37 .

.. علی اصغر حکمت، "مقاله فرهنگ"، ایران‌شهر، شماره ۲۲، ج ۲، تهران، ۱۳۴۳.

- پرویز رجبی معماری ایران در عصر پهلوی، تهران، دانشگاه ملی، ۲۵۳۵ شاهنشاهی
- فریدریک ریچاردز، سفیرنامه فرد ریچاردز، ترجمه مهین دخت صبا، مجموعه ایرانشناسی، تهران، ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳.
- ع. روح بخشان، «نقش دارالفنون درگسترش زبان فرانسوی در ایران»، لقمان، سال سوم، شماره دوم، تهران، ۱۳۶۸.
- Carla Serena, *Hommes et choses en Perse*, Paris, Charpentier, 1883.
- علی اکبر صارمی «کهن آرائی امروز و نوگرایی دیروز»، کتاب تهران، ج ۱، تهران، روشنگران، ۱۳۷۰.
- نسیرین فقیه، آغاز معماری صنعتی ایران، تهران، کاتالگ موزه هنرهای معاصر تهران، بدون تاریخ.
- Dr. Feuvrier, *Trois ans a la cour de Perse*, Paris, F. Juven, 1911.
- سیدمحمدتقی مصطفوی، آثار تاریخی ایران، انجمن آثار ملی، شماره ۱۵۳، ج اول، تهران، ۱۳۶۱.
- حبیب الله مختاری، تاریخ بیداری ایران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۲۶.
- Reza Mogtader, "Teheran dans ses murailles (1553-1990)" *Bibliothèque Iranienne*, vol. 37.
- پرویز مؤید عهدی، «نگاهی چند درباره مسائل شهرسازی» مجله هنر و مردم، شماره‌های ۵۶-۵۷، تهران، ۱۳۶۶
- مهدی متحن الدوله، زندگینامه، به کوشش حسینقلی مشتاقی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۶.